فقه مذاهب پنجگانه (2)

گیلانی، مدرس

اجماع-در لغت بمعنی اتفاق و همدستی است و در اصطلاح فقهای اسلام اتفاق همه‏ فقهای مذهبی از مذاهب اسلامی در حکمی از احکام دین،مانند اتفاق همه فقهای فرقه‏ای که منی‏ آدمی پاک است.و اتفاق همه فقهای مذهب دیگری که منی آدمی پلید است.این اجماع باید بمعنی کامل حاصل شود یعنی همه فقهای آن مذهب که در شرق و غرب جهان هستند در آن متفق‏ باشند و مخالفت فقهای دیگر از مذاهب مختلفه آن اجماع را تباه نمیکند و بعد از وقوع این‏ اجماع در آن مذهب در حکمی از احکام دین مخالفت فقهای آینده از آن مذهب در آن خللی‏ بگمان ایشان نمیرساند.و چنانکه گفتیم:

باید متعلق اجماع مسأله‏ای از مسائل دینی باشد نه لغوی مانند:اجماع مردم فارسی‏زبان‏ در جانور که بمعنی درنده است:یا عقلی مانند اجماع مهندسین هر سه زاویه برابر دو قائمه است‏ پس اجماعی که این نحو حاصل شد نزد فقهای اسلام از ادله شرعیه خواهد بود.

دسته‏ای از فقهای اسلام که عامه‏اند اجماع را از جهتی که اجماع است حجت میدانند و مستند آنرا روایاتی دانسته‏اند که از آنجمله حدیث نبوی از پیامبر اکرم(ص)نقل کرده‏اند که‏ گفت لا تجتمع امتی علی خطاء یا علی الضلاله.دسته دیگر از فقهای اسلام که خاصه‏اند اجماع را از جهت آنکه کاشف و بیان‏کننده از قول امام معصوم است معتبر میدانند و میگویند چنانکه هر فردی غیر معصوم در کارها ممکن است خطا کند هرگاه همه افراد نیز جمع شوند باز ممکن است‏ خطا کرده باشند پس ناگزیر وجود امام معصومی در آن جمع لازم است تا ایشان را از خطا در حکم شرعی نگاهدارد.کاشف بودن اجماع را از رأی امام معصوم از سه راه اثبات میکنند:نحس‏ حدس،لطف.

طریق حس-گویند هیچگاه زمین از امام معصوم تهی نیست و هرگاه فقهای عصری بر حکم شرعی اجماع کردند مسلم است که امام غائب معصوم نیز بطور مجهول در میان ایشان موجود است پس آن اجماع درست باشد و لازمه این مدعی انست که شخص یا اشخاص ناشناسی در میان‏ اجماع‏کنندگان موجود باشد تا بتوان یکی از آنانرا امام فرض کرد پس هرگاه همه معلوم النسب‏ باشند محققا معصوم در ایشان نیست و آن اجتماع تباه است.

طریق حدس-هرگاه فقهای عصری در حکمی از احکام شرعی اجماع کردند پس فقیهی‏ که بر این اجماع آگاه شود حدس خواهد زد که از دیانت و پرهیزکاری فقها دور است که بر چیزی که دلیل نداشته باشد اتفاق کرده باشند.مخالفت ایشان گوید اگر بر حق بودن اجماعی‏ اینگونه استدلال درست باشد پس باید همه اتفاقات فرق اسلامی را بر همین قیاس درست دانست‏ زیرا هر فرقه برای فقهای خود همین سخنان را گویند.

طریق لطف-هرگاه فقهای عمری در حکمی رأی دادند اگر آن حکم مخالف حکم‏ خدا باشد بر امام غائب معصوم که خود را نگاهدار دین خدا مینداند واجب است آن اجماعرا برهم زند و فقها را بر تباهی آن آگاه کند و چون منع نکرده پس آن حکم و اجماع حق است.

مخالف در مستند دلیل عامه اعتراض کرده گوید:اینکه از پیامبر اکرم نقل کرده‏اند که‏ گفته:لا تجتمع امتی علی خطاء یا علیب الخطأ یا ضلاله یا علی الضلال.هرگاه این خبر درست‏ باشد خلاف عقیده عامه است زیرا فقهای این فرقه معتقدند که اگر حکمی باشد همان حکم‏ ظاهریست و حکم واقعی دیگر وجود ندارد.اما از لحن خبر چنین استفاده میشود که واقعی نیز هست و اگر نباشد دیگر خطا معنی ندارد بهر حال اگر این خبر از موضوعات نباشد و دلالتی‏ داشته بزیان مثبتین آنست.خلاصه گفتار مصوبه بودن ایشان منافات دارد مخالفت عقیده خاصه بر ایشان اعتراض کرده گوید:

اول-شما میگوئید ما در احکام مخطئه هستیم یعنی قائل هستیم بحکم ظاهری و حکم واقعی‏ و بقول ایشان ممکن است گاهی حکم ظاهری مطابقت با حکم واقعی کند و گاهی مخالفت و اگر موافقت کند مفتی را دو اجر میدهند یکی بر عمل اختیاری او که اجتهاد کرده یا بدانش یا گمان‏ خود حکم خدا را پیدا کرده و پاداش دیگر بر چیزی که خارج از اختیار او بوده یعنی مطابقت‏ حکم ظاهری حکم واقعی را و اگر حکم ظاهری مخالف حکم واقعی باشد باو پاداشی بیش نمیدهند پس از این گفتار نتیجه گرفتند که فقهای این مذهب در اجتهادات خود چه مخطی باشند و چه‏ مضیب؟بهر دو حال مأجوراند و کسانیکه چنین اعتقادی در اجتهادات خود داشته باشند دیگرچه‏ نیازی دارند که امام معصومی در بین ایشان باشد تا آنانرا از اتفاق در خطا باز دارد.پیروان‏ این مذهب در پاسخ میگویند چون امام معصوم نگاهدار دین است از اینرو باید در آنان باشد تا ایشان را از لغزش نگاهداری کند.

دوم-اگر معنی معصوم بودن امام آنست که از روی اختیار از او گناهی سرنمیزند مخالف شدن رأی او با وافع گناه بشمار نمیآید چون اراده خلاف واقع نداشته و ندارد و اگر بگویند چون حافظ دین است باید خدا او را از خطای غیر اختیاری نیز نگاهداری کند و خواهد هم کرد تا کیش او سالم بماند.مخالف در جواب گوید فقها نیز نگاهدار دین وی‏اند چنانچه‏ میگوئید بر خدا لازم است امام معصوم را از خطا نگهدارد همان قسم نیز باید برای فقها ادعا کرد.خاصه جواب گوید بین افراد فقها و امام فرق بسیار است و این قیاس باطل است.

سوم-مخالف گوید:این امام معصومی که باید حافظ دین خدا از بدعت مبدعان باشد در کجاست.چرا از این همه بدعت‏ها که در جهان بوجود آمده پیشگیری نمیکند و مبدعان را کیفر نمیدهد سستی این اشکال واضح و جوابی لازم ندارد.بهرحال این اجماع یا محصل است‏ یا منقول یا بسیط است یا مرکب.

اجماع محصل:هرگاه فقیهی برای بدست آوردن آراء فقها در حکمی همه آثار آنان را یکایک مراجعه و بررسی کامل کرده باشد بنوعی که رای کسی را از ایشان جا نگذاشته در آن‏ حکم آنرا اجماع محصل گویند زیرا خود آنرا تحصیل کرده و بدست آورده است.

اجماع منقول:هرگاه وقوع اجماع را فقیهی که محل وثوق است در مسأله‏ای در آثار خود نقل کرده و ما آنرا در استدلالهای خود از او بازگو کردیم این را اجماع منقول گویند.فقها میگویند در این روزگار اجماع محصل که حجت است چنانکه باید بدست نمیآید و آنچه دست‏ میآید اجماع منقول است.

اجماع بسیط:هرگاه فقهای عصری در مسأله دینی متفقا رائی داده باشند مانند آنکه‏ همه فقهای جعفری اتفاق دارند که منی آدمی پلید است.این را اجماع بسیط گویند.

اجماع مرکب:هرگاه فقها در مسأله‏ای دو دسته شوند دسته مطلقا حکم بوجوب‏ کرده باشند و دسته‏ای مطلقا حکم بحرمت(چنین اجماعی مرکب از دو قول گویند)سپس‏ فقیهی پیدا شود و در این مسأله که دائر میان وجوب و حرمت شده تفصیل قائل شود یعنی قول‏ سومی بیاورد گویند جایز نیست زیرا امام با یکی از این دو دسته است و البته باید از این دو خارج نشود.مثلا دسته‏ای بگویند نکاح بعیوب خمسه فسخ میشود و دسته بگویند بعیوب خمسه‏ فسخ نمیشود قول سومی تبعیض قائل شود یعنی بگوید برخی از عیوب خمسه فسخ میشود و به بعض‏ فسخ نمیشود.

شیخ اسد اللّه شوشتری از فقهای جعفری را کتابی است در اجماع حدود پانصد صفحه بنام‏ مقابیس هرگاه کسی همه اقوال را در اجماع و اقسام آن خواسته باشد بدانجا مراجعه کند.

قیاس:در لغت بمعنای اندزه‏گیریست و در اصطلاح فقها هرگاه دو موضوع که در صفتی‏ باهم مانند باشند لیک در یکی حکم آن از شارع رسیده و در دیگری نرسیده و ما حکم رسیده‏ بر موضوعی را بر آن نرسیده بار کنیم این را قیاس گوئیم مثلا خمر مسکر است و حکم شربش از شارع رسیده و فقاع که نوعی خمر است و حکم آن از شارع نرسیده چون در صفتی که مستی باشد موضوع ثابت الحکم است اصل نامیم و فقاع را که موضوع مجهول الحکم است فرع و مستی را که‏ مشترک میان این دو است جامع یا علت گوئیم.

دنباله دارد

هیئت تحریره در رد و قبول و حک و اصلاح مقالات آزاد است

اولی و دومی

شخصی از منزل خارج شد در راه برفیقش برخورد و دومی‏ از اولی سئوال کرد چرا از منزل بیرون آمده‏ای اولی گفت گرسنه‏ ام آمده‏ام شاید لقمه نانی تهیه و خود را سیر کنم.سپس اولی‏ از دومی پرسید تو چرا بیرون آمده‏ای دومی گفت من قدم میزنم شاید گرسنه شوم و برگردم منزل غذائی میل کنم.